

نقره داغ



■ کی بود کی بود

کی بود کی بود اون کہ یہ شب پا توی خواب من گذاشت؟
تو جشن تنہایی من ہدیہ میگرد ہر چی کہ داشت
کی بود مثل شاپریا چارقہ ابرو وا میگرد؟
سید سید مروارید اشک تو بغض من رہا میگرد
یادش بخیر شاپرکم مہمون من بود تا سحر
کاشکی بہ من نگفتہ بود یہ روز نمیداد از سفر
کی بود کی بود چشماشو بست پشت ہزارتا کویہ نشست
بہ جرم این فاصلہ ہا آخرش از غصہ شکست؟
کاشکی بہ من نگفتہ بود شاپریا رفتنن
ستارہ ہای بی نشون تو قصہ ہا موندنن
کی بود کی بود بعد یہ عمر تو خواب چشم من دوید؟
منو بہ دست عشق سپرد خودش بہ فردا نرسید

■ مادر

کسی پیدا نمیشہ مثل تو مہربون باشہ
حرفای خوب بزنیہ یک دل و یک زبون باشہ
بگہ از محبتو جونشو تقدیم بکنہ
توی ظلمت دلم خورشید آسمون باشہ
مادر ای مادر مہربون من ای کہ میگی جون بہ جون من
حاضر من تا زندہ ام جونمو قربونت کنم
اون جون ناقابلو فدای اون جونت کنم
دستاتو بیوسمو پاهاتو رو سر بذارم
دلمو تا دنیا دنیا باشہ مجنونت کنم

مادر ای مادر مهربون من ای که میگی جون به جون من
گلای باغ بهشتو زیر پاهات می بینم
همیشه صبح سفیدو توی چشمت می بینم
توبه طفل عاطفه درس وفاداری دادی
سادگی عشق و صفا رو توی دستات می بینم
مادر ای مادر مهربون من ای که میگی جون به جون من

■ آسمون رویا

من به دستای نگاهت دل خود رو می سپارم
هستیم یه قلب پاکه که برات هدیه میارم
واسه ما فرقی نداره که چقدر فاصله داریم
هر جای دنیا که باشیم واسه هم پر در میاریم
میدونم با گوش جونت میشنوی ترانه هامو
میون این همه فریاد میشناسی رنگ صدامو
دل من قد یه دریا اما واسه تو یه برکه
تو برام آب حیاتی بی تو بودن مثل مرگه
توی آسمون رویام تو پری شهر نوری
تو عزیزترین ستاره از یه کهکشون دوری
تو برام رنگ خیالی توی بیرحمی دنیا
مثل آسمون رویا آبی قشنگ دریا

■ نسترن

نسترن تو دست گلدون میخونه ترانه هاتو
میگیره از روی ایرا ماه شب رنگ صداتو
چشم روشن ستاره در پی تو بیقراره
قایق نسیم تو شبها میگیره پیشت کناره
میبینم با چشم خیسیم رقص بیدو با قدمهات
شده خورشید شب من برق رویایی چشمت
با حضورت جون میگیره همه عشقا تو دل من
بیا بر ساز دل من زخمه با عشق خودت زن
تو تجسم نیازی واسه این قلب شکسته
دست قلب عاشقم رو برق چشمای تو بسته
من تمام خواشم رو تو چشم بی تو میبینم
اگه با دل همصدا شی عمری من به پات میشینم

■ آوازه

گفتی که من نمیشکنم عهدهی که با تو بستم
گفتی تویی بعد خدا همون که میپرستم
یه روز دیگش یادم میاد که عاشقونه گفتی
بگو کجا گریه کنم وقتی که بی تو هستم؟
برگرد بیا منو ببین تو رفتی من شکستم
آواره غربتمو عمریه بی تو هستم
حالا تویی باید بگی کجا برات میتونم
گریه کنم از ته دل به یاد تو بمونم

■ نقره داغ

نمیخوام چشمامو رو هم بزارم
فرصت نگاه تو خیلی کمه
عمر من به خواستنت نمیرسه
همین امشب وقت از تو گرفته
دردامو حوصله کن غزل غزل
واسه موندن مریمو بهونه کن
وقتی شعرامو به آتیش میکشی
خون بهای این دل دیوونه کن
نمیخوام چشمامو رو هم بزارم
نکنه اسم تو رو کم بیارم
آخه نقره داغ روزگارمی
من پاپتی فقط تو رو دارم
کی مثل تو منو باور میکنه؟
با منو هق هق دل سر میکنه؟
واسه جشن همه گریه های من
گل تنهایشو پرپر میکنه
کی مثل تو منو باور میکنه؟
با من چله نشین سر میکنه؟
کی مثل تو پای حرفام میشینه؟
شعر دیوونگی از بر میکنه
نمیخوام زخمامو مرحم بزارم
نکنه پیش چشات کم بیارم
من به عمره با غمت زار میزنم
من که از عاشقی ترسی ندارم
نمیخوام چشمامو رو هم بزارم
فرصت نگاه تو خیلی کمه
کاشکی دستات به سراغم میومد
آخه امشب وقت بی تو مردنه

■ حدیث عشق

امشب از خواب شقایق سرخی تعبیر عشق
از شکوفه های بی سر از دل ما بنویس
امشب از مسلخ عاشق از تن داغ جنون
از لب نخلای تشنه قد دریا بنویس
ساده نگذر از دل ما پا به پای قصه باش
شرح این کهنه تبار و اسه فردا بنویس
وقتی از خواب کبوتر به ستاره میرسی
گریه های بیدریغو پای ابرا بنویس
اگه روزی روزگاری سر زدی به نینوا
قصه غربت ما رو واسه مولا بنویس
تا سحر چیزی نمونه شاهد سپیده باش
مثل ما حدیث عشقو تک و تنها بنویس

■ گناه من

میگن سناره رو شب میشه یکی یکی شمرد
یه آسمون شمردمو اما بازم خوابم نبرد
از توی قاب دل نشد عشقتو بیرون بکنم
زخمی که روی دلمه دوا و درمون بکنم
یه شب دیگه بی تو گذشت صدام گرفته تو گلوم
پشت سرم سایه تو غمت نشست روبروم
بگو کدوم باد خزون قصه مو از یاد تو برد؟
گناه من جز این چه بود که دل برات قصه میخورد؟
دلم میخواد که یک سفر بیام به شهر خواب تو
تا قصه همیشگی تا آخرین جواب تو
دفتر شعرامو بخون واژه به واژه اسم توست
هر چی میخوای ورق بزن ببین که دل طلسم توست
هنوز یه دنیا فاصلس میون دست من و تو
این غزل مال تو بود دوباره مال من بشو
بگو کدوم باد خزون قصه مو از یاد تو برد؟
گناه من جز این چه بود که دل برات قصه میخورد؟

■ دل و دشنه

آخ که چه ساده خواستمت
روی چشم میذاشتمت
دشنه شدی به جون من
گفتی نمیشناسمت
آه چه بهونه گیر شدی
من که همیشه باورم
گفتی هوای عشق تو

دیگه پریده از سرم
مگه نخواستی جون بدم؟
این دل و این دشنه تو
تموم کن این وصیّتو
بزار بشم خراب تو
به آبروی دل قسم
تن به قضا داده منم
ببخش که با حقارت
حوصلتو سر میبرم
ببخش که ساده میشکنم
تو دستای نازک باد
آخه همیشه باختتو
جز تو کسی یادم نداد
جز تو کسی یادم نداد

WwW.Saeid-Shahrouz.Blogfa.Com

با تشکر از میترای عزیز